

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حمید محوی
۰۸ فیروزی ۲۰۱۶

به ارتباط ترجمه کتاب "رساله خدا نابور شناسی"

با درود در پیوست متن هفته نامه تی پری میسان را خواهید یافت .
ولی نکته ای را باید در مورد انتشار ترجمه کتاب " رساله خدانابور شناسی" به اطلاع خوانندگان برسانم . نویسنده این کتاب آقای **میشل اونفره** که به ویژه ایرانیان مقیم فرانسه با نام و آثار او آشنائی دارند، در مورد انتشار این کتاب به زبان فارسی اظهار تأسف کرد زیرا تمام حقوق این کتاب به ناشر فرانسوی (انتشارات گراسه...) تعلق دارد . با تحقیقات بعدی پی بردم که گر چه ایران منشور برن را امضا نکرده و در ایران برای ترجمه و انتشار آثار نویسندگان خارجی جوابگو نیستند، ولی من در فرانسه زندگی می کنم و حتی اگر ناشر نیز اطلاعی از ماجرا نداشته باشد، با انتشار این کتاب به زبان فارسی من با ترجمه و انتشار این کتاب (که برای من یک فعالیت حرفه ای و اقتصادی نمی باشد) بدون جلب رضایت مالک اثر، عملاً در وضعیت غیر قانونی قرار خواهم کرد . این موضوع در مورد کتاب هائی که پیش از این ترجمه کرده ام و توسط برخی سایت ها منتشر شده نیز مطرح می باشد ولی هنوز تصمیمی درباره کارهای منتشر شده نگرفته ام .

طی یک پیغام الکترونیک از ناشر فرانسوی اجازه انتشار "رساله خدانابوری" را به زبان فارسی درخواست کرده ام و فعلاً در انتظار پاسخ به سر می برم..

با وجود این، مورد پیش آمده موجب خواهد شد که ما روی موضوع منشور برن و قانون کپی رایت تأملاتی داشته باشیم . یعنی مالکیت خصوصی آثار هنری و پژوهشی و علمی از یک سو و ضرورت فعالیت های فرهنگی و دموکراتیزاسیون فرهنگ و هنر و علم و آموزش و خاصه در زمینه میان فرهنگی ایران : "تحلیل عینی از شرایط عینی" ولی این بار در زمینه فرهنگی در تلاقی با مالکیت خصوصی آثار فرهنگی . دومین موضوعی که به شکل ثانوی و در ادامه این مسأله، دست کم برای من که در فرانسه به سر می برم، و احتمالاً تمام ایرانیانی که در شرایط مشابه هستند موضوع میان فرهنگی ایران را مطرح می سازد . در کشوری که تنها تروریست ها و گروه های مضمحل مثل سازمان مجاهدین خلق و یا بازمانده یک رژیم پوسیده و پوشالی که با کودتای امپریالیستی و با تکیه به سازمان مخوف ساواک و با ایجاد رعب و وحشت ثروت ملی ایران را به توبره کشیدند می توانند از بودجه های ملل متحد و پنتاگون و حتی با بودجه ها و امتیازات خود جمهوری اسلامی ایران برای اشاعه هر چه بیشتر فرهنگ ابتذال بهره مند باشند، و در کشوری که تا اینجا تنها به یک گروه اندک که من آنها را در تحلیل هایم "آریستوکراسی میان فرهنگی ایران" نامیده

ام یعنی به نوعی جی آی جو های (این بار) ایرانی، و باز هم یعنی کشوری که فعالیت های فرهنگی بعضاً فرصتی است برای خانم فرح دیبا -پهلوی تا داغ دل سنت های قدیمی شاهنشاهی را در فرانسه تازه کند، چگونه می توانیم انتظار داشته باشیم که حتی کارهایی در حاشیه نیز به شکل آزاد انجام بگیرد و به نتیجه برسد؟

خیلی ساده قانون کپی راییت یا منشور برن یعنی مالکیت خصوصی اثر (هر اثری) که حتی ما احتمالاً حق نداریم از آن بدون اجازه مالک اثر نقل قول بیاوریم ...نتیجه این است که سرانجام تمام این وضعیت ما را به این بن بست تاریخی و ساختاری هدایت می کند که فرهنگ و هنر و علم و پژوهش در انحصار طبقات حاکم و قدرتها باقی می ماند .

در انترنت، حتی برای جست و جوی یک واژه بایداز سد و معبر تبلیغات تجاری عبور کنیم . به همین علت هر کجا و در هر موردی که چیزی به نام فرهنگ و هنر به چشم می خورد و طاق نصرت با چراغانی دیده می شود باید تردید کنیم، زیرا در بهترین جلوه گاه هایش چیزی نیست به جز نشانه ای از پیروزمندی های روند جنایتکارانه و اختناق و تبعیض در سطح جهانی علیه بشریت.

حتی فیلسوف هائی مثل خود میشل اونفره که برای "هدونیسیم" تبلیغ می کنند، با فروش آثارشان و بازشناسی مالکیت خصوصی بر اثر هنری و سپس ابزارکارهای اجتماعی، جهان را به همان دهکده و آپارتمان مرفه خودشان محدود می دانند .البته چنین انتقادی به این معنی نیست که نویسنده ها باید باد هوا بخورند و یا آموزگاران باید "کارد به استخوانشان برسند" البته باید حساب و کتابی در کار باشد ...ولی حساب و کتاب ها باید به ارتقاء و آزادی کار فرهنگی و هنری و اجتماعی بینجامد.

عملاً می بینیم که در فرانسه یک عده می توانند با دریافت حقوق مکفی برای آدم کشی و تخریب بروند به سوریه، ولی یک نفر دیگر برای کار فرهنگی و آن هم به رایگان در وضعیت غیر قانونی قرار می گیرد...

حمید محوی

۰۷ فبروری ۲۰۱۶

گاهنامه هنر و مبارزه